

## مثل الزَّارِعِ

<sup>1</sup> وَأَبْدَأُ أَيْضاً يُعَلِّمُ عِنْدَ الْبَحْرِ، فَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ جَمْعٌ كَثِيرٌ حَتَّى إِنَّهُ دَخَلَ السَّفِينَةَ وَجَلَسَ عَلَى الْبَحْرِ وَالْجَمْعُ كُلُّهُ كَانَ عِنْدَ الْبَحْرِ عَلَى الْأَرْضِ.

<sup>2</sup> فَكَانَ يُعَلِّمُهُمْ كَثِيراً بِأَمْثَالٍ. وَقَالَ لَهُمْ فِي تَعْلِيمِهِ: <sup>3</sup> اسْمَعُوا، هُوَذَا الزَّارِعُ قَدْ حَرَخَ لِيَزْرَع. <sup>4</sup> وَفِيمَا هُوَ يَزْرَعُ سَقَطَ بَعْضُ عَلَى الطَّرِيقِ فَجَاءَتْ طُيُورُ السَّمَاءِ وَأَكَلَتْهُ. <sup>5</sup> وَسَقَطَ آخَرٌ عَلَى مَكَانٍ مُخَجِرٍ حَيْثُ لَمْ تَكُنْ لَهُ ثُرْتَةٌ كَثِيرَةٌ، فَتَبَتَ خَالاً إِذْ لَمْ يَكُنْ لَهُ عُمُقٌ أَرْضٍ. <sup>6</sup> وَلَكِنْ لَمَّا أُسْرَقَتِ الشَّمْسُ احْتَرَقَ، وَإِذْ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَصْلٌ جَفَّ. <sup>7</sup> وَسَقَطَ آخَرٌ فِي الشُّوْكِ، فَطَلَعَ الشُّوْكُ وَحَتَقَهُ فَلَمْ يُعْطِ ثَمَراً. <sup>8</sup> وَسَقَطَ آخَرٌ فِي الْأَرْضِ الْجَيِّدَةِ، فَأَعْطَى ثَمَراً يَصْعَدُ وَيَنْمُو، فَأَتَى وَاجِدٌ بِيْلَاتَيْنِ وَآخَرٌ بِيْسَيْنِ وَآخَرٌ بِيْمَةٍ. <sup>9</sup> ثُمَّ قَالَ لَهُمْ: مَنِ لَهُ أُذُنَانِ لِلسَّمْعِ فَلْيَسْمَعْ.

<sup>10</sup> وَلَمَّا كَانَ وَحْدَهُ سَأَلَ الَّذِينَ حَوْلَهُ مَعَ الْإِثْنَيْ عَشَرَ عَنِ الْمَثَلِ. <sup>11</sup> فَقَالَ لَهُمْ: قَدْ أُعْطِيَ لَكُمْ أَنْ تَعْرِفُوا سِرَّ مَلَكُوتِ اللَّهِ، وَأَمَّا الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَارِجٍ قِبَالِ الْأَمْثَالِ يَكُونُ لَهُمْ كُلُّ شَيْءٍ، <sup>12</sup> لِكَيْ يُبْصِرُوا مُبْصِرِينَ وَلَا يَنْظُرُوا، وَيَسْمَعُوا سَامِعِينَ وَلَا يَفْهَمُوا، لِئَلَّا يَرْجِعُوا فَتَغْفَرَ لَهُمْ حَطَايَاهُمْ. <sup>13</sup> ثُمَّ قَالَ لَهُمْ: أَمَا تَعْلَمُونَ هَذَا الْمَثَلَ، فَكَيْفَ تَعْرِفُونَ جَمِيعَ الْأَمْثَالِ؟ <sup>14</sup> الزَّارِعُ بَزْرَعِ الْكَلِمَةِ. <sup>15</sup> وَهُؤُلَاءِ هُمْ الَّذِينَ عَلَى الطَّرِيقِ: حَيْثُ تُزْرَعُ الْكَلِمَةُ، وَحَيْثَمَا يَسْمَعُونَ يَأْتِي الشَّيْطَانُ لِلْوَقْتِ وَيَزْعُ الْكَلِمَةَ الْمَرْزُوعَةَ فِي قُلُوبِهِمْ. <sup>16</sup> وَهُؤُلَاءِ كَذَلِكَ هُمْ الَّذِينَ زُرِعُوا عَلَى الْأَمَاكِينِ الْمُخَجِرَةِ: الَّذِينَ حَيْثَمَا يَسْمَعُونَ الْكَلِمَةَ يَقْبَلُوتَهَا لِلْوَقْتِ يَفْرَحُ، <sup>17</sup> وَلَكِنْ لَيْسَ لَهُمْ أَصْلٌ فِي دَوَائِهِمْ بَلْ هُمْ إِلَى جِينٍ، فَبَعْدَ ذَلِكَ إِذَا حَدَّتْ ضَيْقٌ أَوْ اضْطَهَادٌ مِنْ أَجْلِ الْكَلِمَةِ فَلِلْوَقْتِ يَعْثُرُونَ. <sup>18</sup> وَهُؤُلَاءِ هُمْ الَّذِينَ زُرِعُوا بَيْنَ الشُّوْكِ: هُوَ لَاءِ هُمْ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْكَلِمَةَ <sup>19</sup> وَهُمْ وَمِثْلُ هَذَا الْعَالَمِ وَعُرُورِ الْعِنَى وَسَهَوَاتِ سَائِرِ الْأَشْيَاءِ تَدْخُلُ وَتَحْتَقُ الْكَلِمَةَ فَتَصِيرُ بِلَا ثَمَرٍ. <sup>20</sup> وَهُؤُلَاءِ هُمْ الَّذِينَ زُرِعُوا عَلَى الْأَرْضِ الْجَيِّدَةِ: الَّذِينَ يَسْمَعُونَ الْكَلِمَةَ وَيَقْبَلُوتَهَا وَيُثْمِرُونَ، وَاجِدٌ ثَلَاثِينَ وَآخَرٌ سِتِينَ وَآخَرٌ مِئَةً.

## السَّرَاحُ الْمُتَبَرِّعُ وَأَمْثَالُ أُخْرَى

<sup>21</sup> ثُمَّ قَالَ لَهُمْ: هَلْ يُؤْتَى بِسَرَاحٍ لِيُوضَعَ تَحْتَ الْمِكْيَالِ أَوْ تَحْتَ السَّرِيرِ؟ أَلَيْسَ لِيُوضَعَ عَلَى الْمَتَارَةِ؟ <sup>22</sup> لِأَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ جَفِيٌّ لَا يُطَهَّرُ وَلَا صَارَ مَكْتُوماً إِلَّا لِيُعْلَنَ. <sup>23</sup> إِنْ كَانَ لِأَحَدٍ أُذُنَانِ لِلسَّمْعِ فَلْيَسْمَعْ. <sup>24</sup> وَقَالَ لَهُمْ: انظُرُوا مَا

## مثل برزگر

<sup>1</sup> و باز به کناره دریا به تعلیم دادن شروع کرد و جمعی کثیر نزد او جمع شدند بطوری که به کشتی سوار شده، بر دریا قرار گرفت و تمامی آن جماعت بر ساحل دریا حاضر بودند. <sup>2</sup> پس ایشان را به مثلها چیزهای بسیار می‌آموخت و در تعلیم خود بدیشان گفت:

<sup>3</sup> گوش کنید! اینک، برزگری بجهت تخم پاشی بیرون رفت. <sup>4</sup> و چون تخم می‌پاشید، قدری بر راه ریخته شده، مرغان هوا آمده آنها را برچیدند. <sup>5</sup> و تعدادی بر سنگلاخ پاشیده شد، در جایی که خاک بسیار نبود. پس چون که زمین عمق نداشت به زودی روید، <sup>6</sup> و چون آفتاب برآمد، سوخته شد و از آنرو که ریشه نداشت خشکید. <sup>7</sup> و قدری در میان خارها ریخته شد و خارها نمو کرده، آن را خفه نمود که ثمری نیاورد. <sup>8</sup> و مابقی در زمین نیکو افتاد و حاصل پیدانمود که روید و نمو کرد و بارآورد، بعضی سی و بعضی شصت و بعضی صد. <sup>9</sup> پس گفت: هر که گوش شنوا دارد، بشنود!

<sup>10</sup> و چون به خلوت شد، رفقای او با آن دوازده شرح این مثل را از او پرسیدند. <sup>11</sup> به ایشان گفت: به شما دانستن سرّ ملکوت خدا عطا شده، اما به آنانی که بیروند، همه چیز به مثلها می‌شود، <sup>12</sup> تا نگران شده بنگرند و نبینند و شنوا شده بشنوند و نفهمند، مبادا بازگشت کرده گناهان ایشان آمرزیده شود.

<sup>13</sup> و بدیشان گفت: آیا این مثل را نفهمیده‌اید؟ پس چگونه سایر مثلها را خواهید فهمید؟ <sup>14</sup> برزگر کلام را می‌کارد. <sup>15</sup> و اینانند به کناره راه، جایی که کلام کاشته می‌شود؛ و چون شنیدند فوراً شیطان آمده کلام کاشته شده در قلوب ایشان را می‌رباید. <sup>16</sup> و ایضاً کاشته شده در سنگلاخ، کسانی می‌باشند که چون کلام را بشنوند، در حال آن را به خوشی قبول کنند، <sup>17</sup> و لکن ریشه‌ای در خود ندارند، بلکه فانی می‌باشند؛ و چون صدمه‌ای یا زحمتی به سبب کلام روی دهد در ساعت لغزش می‌خورند. <sup>18</sup> و کاشته شده در خارها آنانی می‌باشند که چون کلام را شنوند، <sup>19</sup> اندیشه‌های دنیوی و غرور دولت و هوس چیزهای دیگر داخل شده، کلام را خفه می‌کند و بی‌ثمر می‌گردد. <sup>20</sup> و کاشته شده در زمین نیکو آنانند که چون کلام را شنوند آن را می‌پذیرند و ثمر

تَسْمَعُونَ، بِالْكَيْلِ الَّذِي بِهِ تَكِيلُونَ يُكَالُ لَكُمْ وَيُرَادُ لَكُمْ، أَيُّهَا السَّامِعُونَ. <sup>25</sup> لَأَنَّ مَنْ لَهُ سَيِّعَتِي، وَأَمَّا مَنْ لَيْسَ لَهُ فَالَّذِي عِنْدَهُ سَيُؤَخِّدُ مِنْهُ.

### مثل البذار

<sup>26</sup> وَقَالَ: هَكَذَا مَلَكُوتُ اللَّهِ، كَأَنَّ إِنْسَانًا يُلقِي البِذَارَ عَلَى الأَرْضِ <sup>27</sup> وَيَتَامُ وَيَقُومُ، لَيْلًا وَنَهَارًا، وَالبِذَارُ يَطْلُعُ وَيَتَمُو وَهُوَ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ. <sup>28</sup> لَأَنَّ الأَرْضَ مِنْ دَاتِهَا تَأْتِي بِتَمَرٍ، أَوَّلًا تَبَاتًا ثُمَّ سُبُلًا ثُمَّ قَمَحًا مَلآنَ فِي السُّبُلِ. <sup>29</sup> وَأَمَّا مَتَى أَرَزَكَ التَّمَرُ فَلِلْوَقْتِ يُرْسِلُ المِنْجَلَ لِأَنَّ الحِصَادَ قَدْ حَصَرَ.

### مثل حبة الخردل

<sup>30</sup> وَقَالَ: بِمَاذَا نُسَبِّهُ مَلَكُوتَ اللَّهِ أَوْ بِأَيِّ مَثَلٍ نُثَمِّلُهُ؟ <sup>31</sup> مِثْلُ حَبَّةِ خَرْدَلٍ مَتَى زُرَعَتْ فِي الأَرْضِ، فَهِيَ أَصْعَرُ جَمِيعِ البُزُورِ الَّتِي عَلَى الأَرْضِ، <sup>32</sup> وَلَكِنْ مَتَى زُرَعَتْ تَطْلُعُ وَتَصْبِرُ أَكْبَرَ جَمِيعِ البُغُولِ وَتَضَعُ أَغْصَانًا كَظَبْرَةٍ حَتَّى تَسْتَطِيعَ طُيُورُ السَّمَاءِ أَنْ تَتَأَوَى تَحْتَ ظِلِّهَا. <sup>33</sup> وَبِأَمْثَالٍ كَثِيرَةٍ مِثْلُ هَذِهِ كَانَ يُكَلِّمُهُمْ حَسَبًا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يَسْمَعُوا، <sup>34</sup> وَيَدُونَ مَثَلٍ لَمْ يَكُنْ يُكَلِّمُهُمْ. وَأَمَّا عَلَى انْفِرَادٍ فَكَانَ يُعَسِّرُ لِتَلَامِيذِهِ كُلِّ سَيِّءٍ.

### يسوع يُسَكِّنُ العاصفة

<sup>35</sup> وَقَالَ لَهُمْ فِي ذَلِكَ اليَوْمِ لَمَّا كَانَ المَسَاءُ: لِنَجْتَزِ إِلَى العَبْرِ. <sup>36</sup> فَصَرَفُوا الجَمْعَ وَأَخَذُوهُ كَمَا كَانَ فِي السَّفِينَةِ، وَكَانَتْ مَعَهُ أَيْضًا سَفِينٌ أُخْرَى صَغِيرَةٌ. <sup>37</sup> فَحَدَّتْ تَوَهُ رِيحٌ عَظِيمٌ فَكَانَتْ الأمْوَاجُ تَضْرِبُ إِلَى السَّفِينَةِ حَتَّى صَارَتْ تَمْتَلِي. <sup>38</sup> وَكَانَ هُوَ فِي المَوْجِ عَلَى وِسَادَةٍ تَائِمًا، فَاقْبَطُوهُ وَقَالُوا لَهُ: يَا مُعَلِّمُ، أَمَا يَهْمُكَ أَنَّنَا نَهْلِكُ؟ <sup>39</sup> فَقَامَ وَانْتَهَرَ الرِّيحَ وَقَالَ لِلتَّحْرِ: اسْكُتْ، إِنَّكَم. <sup>40</sup> وَقَالَ لَهُمْ: مَا بَالُكُمْ خَائِفِينَ هَكَذَا؟ كَيْفَ لَا إِيمَانٌ لَكُمْ؟ <sup>41</sup> فَخَافُوا خَوْفًا عَظِيمًا وَقَالُوا بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: مَنْ هُوَ هَذَا؟ فَإِنَّ الرِّيحَ أَيْضًا وَالتَّحَرَ يُطِيعَانِي.

می آورند، بعضی سی و بعضی شصت و بعضی صد.

### مَثَلِ جَرَاغِ زِيرِ تَشْتِ

<sup>21</sup> پس بدیشان گفت: آیا چراغ را می آورند تا زیر پیمانهای یا تختی و نه بر چراغان گذارند؟ <sup>22</sup> زیرا که چیزی پنهان نیست که آشکارا نگردد و هیچ چیز مخفی نشود، مگر تا به ظهور آید. <sup>23</sup> هر که گوش شنوا دارد بشنود. <sup>24</sup> و بدیشان گفت: با حذر باشید که چه می شنوید، زیرا به هر میزانی که وزن کنید به شما پیموده شود، بلکه از برای شما که می شنوید افزون خواهد گشت. <sup>25</sup> زیرا هر که دارد بدو داده شود و از هر که ندارد آنچه نیز دارد گرفته خواهد شد.

### مَثَلِ رُویدَانِ دَانِه

<sup>26</sup> و گفت: همچنین ملکوت خدا مانند کسی است که تخم بر زمین بیفشاند، <sup>27</sup> و شب و روز بخوابد و برخیزد و تخم بروید و نمو کند. چگونه؟ او نداند. <sup>28</sup> زیرا که زمین به ذات خود ثمر می آورد، اول علف، بعد خوشه، پس از آن دانه کامل در خوشه. <sup>29</sup> و چون ثمر رسید، فوراً داس را بکار می برد زیرا که وقت حصاد رسیده است.

### مَثَلِ دَانِه خَرْدَلِ

<sup>30</sup> و گفت: به چه چیز ملکوت خدا را تشبیه کنیم و برای آن چه مَثَلِ بزنیم؟ <sup>31</sup> مثل دانه خردلی است که وقتی که آن را بر زمین کارند، کوچکترین تخمهای زمینی باشد. <sup>32</sup> لیکن چون کاشته شد، می روید و بزرگتر از جمیع بقول می گردد و شاخه های بزرگ می آورد، چنانکه مرغان هوا زیر سایه اش می توانند آشیانه گیرند. <sup>33</sup> و به مثلهای بسیار مانند اینها بقدری که استطاعت شنیدن داشتند، کلام را بدیشان بیان می فرمود، <sup>34</sup> و بدون مثل بدیشان سخنی نگفت. لیکن در خلوت، تمام معانی را برای شاگردان خود شرح می نمود.

### آرامش طوفان توسط عیسی

<sup>35</sup> و در همان روز وقت شام، بدیشان گفت: به کناره دیگر عبور کنیم. <sup>36</sup> پس چون آن گروه را رخصت دادند، او را همانطوری که در کشتی بود برداشتند و چند زورق دیگر نیز همراه او بود. <sup>37</sup> که ناگاه طوفانی عظیم از باد پدید آمد و امواج بر کشتی می خورد بقسمی که برمی گشت. <sup>38</sup> و او در مَوْجِ کشتی بر بالشی خفته بود.

پس او را بیدار کرده گفتند: ای استاد، آیا تو را باکی نیست که هلاک شویم؟<sup>39</sup> در ساعت او برخاسته، باد را نهیب داد و به دریا گفت: ساکن شو و خاموش باش! که باد ساکن شده، آرامی کامل پدید آمد.<sup>40</sup> و ایشان را گفت: از بهر چه چنین ترسانید و چون است که ایمان ندارید؟<sup>41</sup> پس بی‌نهایت ترسان شده، به یکدیگر گفتند: این کیست که باد و دریا هم او را اطاعت می‌کنند؟